



زار، نمونه ای از مردم شناسی پزشکی در ایران

پروین پورمجیدیان

استادیار گروه باستان شناسی، دانشگاه آزاد ورامین - پیشوا، ورامین، ایران

چکیده:

بسیاری از مراسم شفایابس سنتی که در میان مردمان بومی هر منطقه رایج هستند، ریشه ای کهن دارند. در این مقاله پس از بحثی کوتاه پیرامون شیوه های بومی درمان در جهان، به بررسی رسوم مرتبط با یکی از این آیین های زنده در ایران پرداخته شده است. در میان مردمان جنوب ایران اعتقادی مبنی بر وجود "باد" هایی دیده می شود که سبب بیماری و گاه مرگ می شوند. این پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه ای انجام شده و سپس در بررسی های میدانی از منطقه قشم و روستاهای بندر عباس مورد تأیید قرار گرفته است. در نتیجه ی بررسی های میدانی مشخص شد که برای آنکه فرد مبتلا نجات یافته و در جرگه ی "اهل هوا" درآید، به مراسم درمان سنتی پناه می برند که توسط درمانگری که "بابا" یا "ماما" ی آن باد نامیده می شود، اجرا می گردد، مراسمی که تلفیقی از موسیقی، رقص و ذکر و یادآور آیین های ابتدایی پرستش است. **واژگان کلیدی:** آیین های شفا، اهل هوا، زار، موسیقی درمانی



مقدمه

وجود آیین‌های شفا و درمان‌های بومی در ایران در کنار پزشکی نوین، پزشکی ایران را غنی ساخته است. مردان و زنان مقدس چون ماماها و باباها در جنوب ایران، پرخوان‌های زن و مرد در شمال ایران، سنت‌های دعانویسی، باورهای جادویی شفا و نظام‌های خاص پزشکی قومی چون "گیل تجربه" یا "گیل درمان" همگی اهمیت شناخت پزشکی قومی ایران را نشان می‌دهد. آنچه مسلم است شیوه‌های درمانی بومی هر منطقه، ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و سنتی مردمان آن دیار دارد، همراه با چاشنی اندکی خرافه، چرا که آمیختگی خرافه در سنت، امری اجتناب ناپذیر است و هر کجا فقر فرهنگی بیشتری باشد خرافه حضور پررنگ‌تری می‌یابد و با آمیخته شدن با باورهای دینی و آیینی، قدرت و نفوذ بیشتری پیدا می‌کند.

روش تحقیق

در این مقاله به بررسی آیین‌های مربوط به یکی از شیوه‌های درمانی رایج در میان ساکنان جنوبی ایران پرداخته شده است، نخست داده‌ها بر اساس گزارشات تاریخی و مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شدند و سپس بخش دیگر پژوهش با حضور در جزیره‌ی قشم و برقراری ارتباط با باورمندان به این سنت انجام شد و در نتیجه بخش اصلی بررسی‌ها و نتایج مبتنی بر مشاهدات و مصاحبه با اهالی جزیره‌ی قشم است.

درمان‌های بومی

پیش از ورود به بحث پیرامون زار، نگاهی گذرا خواهیم داشت به سابقه‌ی استفاده از موسیقی در مراسم شفا یابی در تمدن‌های کهن و ماندگاری برخی از آنها تا به امروز.

در پزشکی بومی از مظاهر گوناگون طبیعت، چون آب، گیاه، کوه و صدا، برای درمان استفاده می‌شود. از جمله این آیین‌ها صدا درمانی است؛ استفاده از صوت و موسیقی در آیین‌های شفایابی گستره‌ای جهانی داشته و ثابت‌ترین و فراگیرترین جزء این مراسم است. استفاده از آلات موسیقی، عمدتاً سازهای کوبه‌ای، صدای انسان در قالب آوازهای فرد شفا دهنده یا مجموعه افراد شرکت کننده در مراسم دعا، خواندن و ذکر گفتن، مجموعه مشترکی است که قابل تخصیص به فرهنگ و مذهب ویژه و قومیت و ملیت خاصی نیست و نه تنها در باوهای اقوام ابتدایی، بلکه گونه‌های متعالی آن در ادیان آسمانی نیز دیده می‌شود.

پاپیروس‌های مصری به جای مانده از ۲۶۰۰ سال قبل به افسون خوانی برای درمان ناباروری و دردهای رماتیسمی اشاره می‌کند. یونانیان باستان معتقد بودند که موسیقی حاوی قدرتی برای شفا دادن روح و جسم است و از فلوت و چنگ برای درمان بیماری‌های نقرس و سیاتیک استفاده می‌کردند. (سرمدی، ۱۳۸۵) روایت‌های کتاب عهد عتیق در مورد درمان افسردگی شائل^۱ با صدای چنگ داوود، یادآور استفاده از قدرتی است که هزاران سال برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند و نشان اهمیت شفابخشی موسیقی در طرد ارواح خبیثه است. (تورات، کتاب اول سموئیل، باب شانزدهم) باورمندی به قدرت صوت اعتقادی جهانی است و این نظریه در افسانه‌های خلقت به اشکال متفاوتی بیان شده است:

^۱ shaul ، شائل نخستین پادشاه اسرائیل بود که پیش از داوود حکومت می‌کرد.



- در قرآن آمده: "و هنگامی که خداوند بگوید باش، پس موجود می شوند." (بقره، آیه ی ۱۷)
- در انجیل ذکر شده که خداوند قادر است تا با نامیدن چیزی به آن هستی ببخشد یعنی با به صدا در آوردن ارتعاش آن (سفر پیدایش، آیات ۱ تا ۳۱)
- در داستان خلقت هندوها ذکر شده که یک زن عنکبوتی شبکه ای از صدا را به دور زمین تنید و به این طریق به تمام موجودات هستی بخشید.
- در افسانه های تبتی از ساراواتر، الهه شعر، طبابت و صدای مقدس که با آوازی جهان را هستی داد، یاد می شود.
- در اسطوره آفرینش مانوی آفرینش با فرا خواندن انجام می شود. (اسماعیل پور، ۱۳۸۱)
- علی رغم گوناگونی در روش های درمانگری رایج در قبایل و اقوام مختلف، چهار شیوه، از روشهای غالب محسوب می شوند:

۱- دخالت مستقیم فرد درمانگر که از او به عنوان شمن یاد می شود.

بومیان معتقدند که هر انسان و هر شی دارای یک شخصیت مشابه در عالم روحانی است و آن روح می تواند موجب سلامتی یا بیماری شود. بنابراین نوسازی روحانی و دسترسی به یک هماهنگی فیزیکی، احساسی و اجتماعی در قلب طب بومی جریان دارد. در این نوع درمان فرد درمان گر حکم یک میانجی با عالم ارواح را دارد.

۲- استفاده از طب گیاهی

از جمله بلعیدن گیاه، نوشیدن به عنوان چای، مخلوط کردن با سایر نوشیدنی ها و غذاها و نیز سوزاندن گیاهان خاصی چون سدر و گراس که برای ایجاد دود بر فراز سر بیمار استفاده می شد.

۳- استفاده از آیین تطهیر

این سنت که معمولا در میان بومیان آمریکا رواج داشته در یک "کلبه ی عرق ریزان" انجام می شد که از شاخه های درخت بید ساخته می شده است و روی آن را با پتو می پوشانند و مراسمی همراه با آوازخوانی، دعا و طبل کوبی برای تطهیر روح انجام می شد.

۴- به کارگیری سایر مراسم و آیین های سمبلیک

بسیاری از درمانگران از حلقه ی مقدس، آواز خوانی، رقاصی، نقاشی روی شن، ذکر گویی و طبل کوبی برای رفع رکود و ایستایی انرژی استفاده می کنند که ممکن است در ایجاد بیماری دخیل باشد.

این روشها برای درمان طیف وسیعی از بیماری های جسمی و روحی، از جمله بیماری های قلبی، دیابت، تیروئید، سرطان، آسم، افسردگی و ... بکار گرفته می شود.

ذکر

ذکر گفتن یکی از آیین های جهانی و مشترک است که تقریبا در تمامی مذاهب و فرهنگ های مختلف با اشکالی کمابیش مشابه دیده می شود. چنین عملی مهیا کننده ی یک هیجان احساسی و روحی است که قدرت روانی را تا یک سطح بسیار بالا ترفیع می بخشد. ذکر در واقع تکرار مدام یک عبارت مقدس با ریتم و تن صدای یکسان و هماهنگ



است و مقدمه ای است برای ایجاد خلسه، مراقبه و ورود به سطوح عالی آگاهی و هوشیاری و از طریق این سطوح عالی است که عبادت کننده می تواند به تمامیت قدرت خود برای برکت دادن و شفا بخشیدن به خود و دیگران دسترسی پیدا کند و عموماً از یک نام، یک کلمه یا یک هجا تشکیل شده است که نام خداوند تقریباً در تمام دنیا به عنوان نیرومندترین ذکر محسوب می شود (سرمدی، ۱۳۸۵)

ذکرهایی چون هیو (hu) آمین (amen) را (ra) میو (mu) اک (eck) شانتی (shanti) الله (allah) شالم (shalom) آللویا (alleluia) آون (awn)، نمونه های باقی مانده از ذکرهای بسیاری است که در تمدن ها و مذاهب گوناگون به طور گسترده مورد استفاده قرار می گرفته است.

در هندوستان صدا ماهیتی مقدس دارد و چهار ودای مقدس: یجور ودا (yajur veda)، سام ودا (same veda)، ریگ ودا (rg veda) و اتر ودا (atharava veda) منابع مهمی برای حفظ و تکامل گنجینه ی بزرگی از ادعیه و ذکرها و سرودهای روحانی هندو بوده اند. در ریگ ودا و سام ودا به کاربرد ذکرها و سرودها در شفایابی و درمانگری اشاره شده است. سام ودا شامل دعاهای قدرتمندی است که خدای بزرگ را می خواند تا یک زندگی سالم و سعادت مند عطا شود. هندی ها معتقدند که موسیقی امروز از این منبع مشتق شده است. صداهای مقدس و ذکرهای روحانی به عنوان ارتعاش الهی از منبع پدیدار شدن همه ی موجودات سرچشمه می گیرند و به سوی مقصد تمام آنها، بازگشت خواهند داشت. اعمال عرفانی هندی از جمله ذکر، هم چنان در حوزه ی درمانگری هند تاثیر گذار است. ذکرها عبارت قدرتمند و درمانگر هستند. از طریق ذکر فرد عبادت کننده می تواند خدا را درک کند. ذکرها و سرودهای جان گرفته در روان آدمی رخنه کرده و هم چون یک نور و روشنایی فرد را به مراتب عالی آگاهی هدایت می نمایند. اعتقاد بر این است که وقتی ذکرها به طور صحیح بیان شوند، انرژی های نهان را فعال می سازد که می تواند ذهن و جسم را با هم شفا دهد.

استفاده از نیروی صوت، ذکر گویی و بهره گیری از نیروی شفابخشی آن بخش مهمی از فرهنگ اسلامی را نیز در بر دارد. ذکر گویی، یک آیین الهی و به معنای یادآوری است که به ویژه در تصوف و عرفان اسلامی پیشینه ای تاریخی دارد. بی گمان این ذکر، نوعی مقام و مرتبه ی روحانی است و پیش از آنکه نفوذ و تاثیر آن در دنیای جسم مورد نظر باشد، به اثر گذاری و قدرت آن در دنیای روح پرداخته شده. به هر حال علی رغم این رویکرد غیر جسمانی، تصوف و عرفان اسلامی از وجه دیگر آن غافل نمانده است و شفا و درمان یکی از تاثیرات ذکر عرفانی است. " یا من اسمه دوا و ذکره شفا "

موسیقی و شفا

موسیقی کهن ترین هنرها است و قدمت آن به درازای تاریخ است. انسان به موسیقی نیاز داشت و به همان گونه که آتش را محترم می داشت، الحان موسیقی را نیز ارج می نهاد و از خاطره ای به خاطره ی دیگر می سپرد و آن را زنده نگاه می داشت، بشر نخستین واژگان خود را برای ستایش آهنگین ساخت و سپس از آنت آوازه های گروهی را برای نیایش



ساخت و همزمان کهن‌ترین آلات برای ایجاد هماهنگی، به این مجموعه رقص و آواز اضافه شد مجموعه‌ای موزون که حالت جادویی و ماورایی داشت.

همانطور که گفته شد، فرهنگ‌های بومی روش‌های کهن و باستانی را برای درمانگری بکار می‌گیرند و بسیاری از بیماران در کنار استفاده از طب گیاهی با دعا و نیروی روح مقدس شفا می‌یابند. درمانگر بومی نخست دلایل گوناگون بیماری را بر پایه ی آنالیز رویاها، تکنیک‌های برون فکنی و خلسه و همراه با استفاده از واژگان خاص بررسی کرده در نهایت به یک تشخیص نهایی از ریشه بیماری می‌رسد و بر اساس آن در مورد نحوه ی درمان و آیین‌های مربوط تصمیم می‌گیرد. اعتقاد و باور جهانگیر به وجود نیروهای شفا دهنده در صدا و موسیقی، موجب حضور همیشگی آواز، رقص و آلات موسیقی در مراسم شفا یابی بوده است:

- موسیقی بدوی: بسیاری از درمانگران صدا معتقدند که موسیقی بدوی بیشترین اثر شفابخشی را داشته است. استفاده از طبل‌های ساده، جغجغه، فلوت‌های چوبی، زنگ و دیگر آلات موسیقی در فرهنگ قبیله‌ای رواج داشت.

- موسیقی چین: موسیقی چین باستان دارای یک سیستم درمانگری بود که ۵ عنصر را شامل می‌شد: فلز، چوب، آب آتش و هوا که در ارتباط با ۵ اندام بود: ریه، کبد، کلیه، قلب و طحال و همچنین ۵ احساس شامل نگرانی، خشم، ترس، خوشحالی و افسردگی و ۵ تن صدا، آلات موسیقی از سنگ، پوست، ابریشم، خیزران، چوب و فلز ساخته می‌شدند.

- موسیقی آفریقا: موسیقی آفریقای کهن عمدتاً آوازی و خواندنی بود. یک موسیقی گسترده که از صدای طبل‌های ساخته شده از کنده‌ی درختان تا مناجات گروهی تغییر می‌کند و هر کشور و قبیله ای آوازهای شفا، آوازهای رویا و آوازهای عرفانی و روحانی خاص خود را دارد.

- موسیقی بومیان آمریکا: بومیان آمریکا معتقد بودند که روح مقدس صدای آنها را می‌شنود و به تمام درخواستهایی که از طریق موسیقی بیان می‌شود پاسخ خواهد داد. ذکر، آواز، فلوت، طبل، زنگ و جغجغه اساس موسیقی قبیله ای آمریکا است. بومیان آمریکای جنوبی از موسیقی برای رقص، تجربیات خروج از بدن و شفایابی استفاده می‌کردند و بسیاری از مردم به قدرت درمانگری این موسیقی اعتقاد دارند. آلات موسیقی عمده ی این نواحی پان‌پایپ، گیتار و فلوت چوبی است.

- سبک یونانی: عده ای از درمانگران می‌گویند که در یونان باستان با مدارس هنرآموز و با پیشرفت فراوان در سبک‌های موسیقی کلیدهایی برای درمانگری داشته است. دانشوران یونانی چون افلاطون، سقراط و فیثاغورث، قطعاتی را می‌شناختند که در سبک‌های ویژه‌ای نوشته می‌شد و تاثیرات جسمانی، ذهنی، احساسی و روحی داشت. آنها معتقد بودند که موسیقی قادر است کل جامعه را تغییر دهد. (سرمدی، ۱۳۸۵)

اهل هوا:

آیین‌های سنتی و بومی شفا که تلفیقی از رقص، موسیقی و ذکر است، هنوز هم در میان بومیان بسیاری از سرزمین‌ها زنده هستند و اجرا می‌شوند. در میان ساحل نشینان جنوب ایران نیز باوری دیرینه وجود دارد که اگرچه اصل ایرانی ندارد، لیکن با باورها و آداب و رسوم ایرانی تلفیق شده و هم‌اکنون نیز اجرا می‌شود.



اگرچه گستره‌ی وجود این باور همه‌ی سواحل دریای عمان و خلیج فارس را در بر می‌گیرد و جزء اعتقادات مردم بلوچ و میناب، بندرعباس، خمیر تا بندرلنگه، بندر بوشهر و تمام آبادی‌های جزایرتنگه هرمز و حتی تا داخل خوزستان است. امروز چندین سال است که زار و شیوه‌های درمانی اهل هوا به عنوان میراث معنوی استان بوشهر به ثبت رسیده است. آداب و رسوم مردم این نواحی جنوبی ایران، بخاطر مجاورت با دریا و تماس نسبتاً ناچیز با داخل فلات ایران با آداب و رسوم دیگر نقاط ایران شباهت کمی دارد. شاید به همین علت باشد که در نظر ما شگفت‌انگیز و خارق‌العاده جلوه می‌کند. از جمله‌ی این آداب و رسوم انواع رقص‌هایی است که ظاهراً برای دفع بعضی بادهای و درمان و شفای بیماران سودمند است.

مسکن اصلی بادهای در درجه‌ی اول سواحل آفریقا است و بعد سواحل هند و عربستان و بالاخره سواحل ایران؛ قدمت این "اشباح" یا "اجنه" یا "بادهای" به پیش از اسلام می‌رسد، هر چند که تحت تاثیر فرهنگ‌ها و آئین‌های مختلف این عناصر غیر مادی در طول زمان دستخوش تغییراتی شده و تغییری که دین اسلام در محتوای این عناصر غیر مادی دارد، بسیار قابل مطالعه است. بدین نحو که همان دوگانگی خیر و شر، خوب و بد، اهورائی و اهریمنی نیز در آنها دیده می‌شود. "گویا عقاید مربوط به بادهای زار از راه حبشه در سرزمین‌های اسلام راه یافته است و عقایدی مشابه آنچه در ایران وجود دارد در مصر و حجاز و عمان نیز با عنوان زار دیده می‌شود. مسلمانان و مسیحیان حبشه معتقدند که زار از جمله ارواح خبیثه‌ای است که در رودها و چشمه‌ها به سر می‌برند و گاهی در کالبد آدم‌ها حلول می‌کنند. انجام برخی مراسم و خصوصاً انواع رقص‌ها این ارواح را مجبور به ترک کالبد انسانی می‌کند. این عمل معمولاً به وسیله‌ی زنی انجام می‌گیرد و مراسم چند شبانه روز طول می‌کشد و رقص همراه با صدای طبل‌های کوچک و بزرگ است. در سومالی نیز همین رسم به نام "سار" وجود دارد." (ساعدی، ۱۳۴۵)

اهل هوا کسانی هستند که گرفتار یکی از بادهای شده‌اند و بادهای قوای مرموز و اثیری و جادویی را گویند که همه جا هستند، پری‌ها، دیوها، ارواح نیک و بد، همه باد یا خیال یا هوا هستند و مسلط بر نوع بشر. بادهای همچون آدمیان مهربان یا بی‌رحم، کور یا بینا، کافر یا مسلمانند. سیاهان و فقرا و مساکین طعمه و شکار این بادهای هستند، "زن‌های فقیر بیشتر از مردهای فقیر دچار می‌شوند، چرا که زن‌ها بیشتر گرسنگی می‌کشند و بیمار می‌شوند و با دیگران در می‌افتند، دعوا می‌کنند، خیلی زود واهمه‌های جور واجور و بی‌نام و نشان سراغشان می‌رود." (ملک‌راه، ۱۳۸۵) اما تجار و ناخداها و هر کس اطعام و احسان بکند هرگز دچار نمی‌شوند.

اعتقاد به اینکه با اطعام و احسان تمام بلاها از جان دور می‌شوند، باوری است که در اندیشه‌ی مردمان ایران نهادینه شده و ریشه دوانده است و همانگونه که آثار مکتوب ایران پیش از اسلام، به آن اشاره شده است، امروزه نیز در فرهنگ ایرانی-اسلامی دیده می‌شود، در میان معتقدان به بادهای نیز چنین اندیشه‌ای وجود دارد، به این معنی که "هر کس اطعام و احسان کند تمام بلاها از جان وی دور است، تاجر پول دارد و نان می‌کند، در نتیجه بادهای به او گزند نمی‌رسانند، اما فقرا که وسیله "نان کردن" ندارند، به ناچار زودتر از همه گرفتار می‌شوند." (ملک‌راه، ۱۳۸۵) این بیماری ناشناخته، ریشه‌ی روحی-روانی دارد و به ظاهر با علم پزشکی نیز قابل معالجه نیست.



بر اساس مشاهدات در تمامی نقاطی که به این بادباور دارند، هنگامی که شخصی دچار این باد شود به زودی بیمار شده و برای درمان و رهایی از آن تنها چاره مراجعه به "بابا" یا "ماما"ی آن باد است که نوعی جادوگر-پزشک به شمار می‌آیند. این شغل از پدر به ارث گرفته می‌شود و ماما یا بابای زار حتما باید سیاه‌پوست باشد، ابزار این شغل شامل انواع سازها است از جمله دهل‌هایی با نام‌های مختلف و در کنار آن بخوردان‌های بزرگ و کوچک بسیار که برای تطهیر فضای درمان از آنها استفاده می‌شود به طور کلی مهم‌ترین نیازها برای برگزاری مراسم آوازخوانی و نواختن ساز است چرا که با این دو روش بادها به حرف می‌آیند و خواسته خود را با درمانگر در میان می‌گذارند.

بابا سالم، بابای زار جزیره ی قشم، ماما حنیفه، مامای زار و نوبان قشم و بابا عیود، بابای نوبان بندر لنگه برخی از معروفترین باباها و ماماها در ایران هستند. برای "پایین آوردن و زیر کردن" هر باد "بابا" یا "ماما" مراسم خاصی ترتیب می‌دهد که این مراسم را "بازی کردن" یا "مجلس" می‌گویند. این مراسم همان است که باد از مرکبش می‌خواهد. رویهم رفته بادها دو جورند: یکی بادی که می‌بیند و از همه چیز با خبر است. این باد، بادی است که سفره داشته، خون خورده، شعر و آواز شنیده، برایش دهل زده اند. این باد را در اصطلاح اهل هوا، "باد صاف" می‌گویند که مرکبش را هیچوقت اذیت نمی‌کند. دسته ی دیگر بادهای کور هستند که همه چیز را ویران می‌کنند و هیچوقت آرام و صاف نیستند. (ساعدی، ۱۳۸۵)

بادهای عمده و مشهور این ها هستند :

- ۱) باد زار (zar)، از اتیوپی، سودان و مصر سرچشمه گرفته اند، همه، بجز عده‌ی محدودی کافرند و به باد سرخ معروفند.
- ۲) باد نوبان (noban) بادی است که شخص را علیل و بی حرکت وافرده می‌کند.
- ۳) مشایخ (mashayex)، از عدن، عربستان و خلیج فارس سرچشمه گرفته‌اند، مسلمان هستند عده‌ای خطرناک و عده‌ای بی خطر، برخلاف دیگر بادهای مراسم خارج کردن آن از بدن در زیارتگاهی که "قدمگاه" نامیده می‌شود برگزار می‌شود که این امر به تاثیر از فرهنگ شیعی انجام می‌شود.
- ۴) باد جن: همه خطرناک و کافرند و در طی مراسم خون می‌خواهند.
- ۵) باد پری: دو جورند پری‌های کافر که خطرناکند. پری‌های اهل حساب
- ۶) باد دیب (دیو): در بیابان‌ها و جزایر پیدا می‌شوند به آدم که بخورند همان دم بی جان و خشکش می‌کنند
- ۷) باد غول: که از دور همچون شتر مستی پیدا می‌شود و هر کسی را که سر راهش باشد بی‌جان می‌کند.

از بین این بادهای سه باد اول شیوع بیشتری دارد. (ساعدی، ۱۳۸۵)

زار



زار خطرناک‌ترین و شایع‌ترین بادها است. زارها همه کافرند و به این ترتیب در مجالس بازی مطلقاً نباید نامی از خدا، رسول و ائمه برده شود.^۱

وقتی بابا یا ماما احتمال بدهد که شخص مبتلای یکی از زارها شده است، او را هفت روز در حجاب و دور از چشم دیگران نگه می‌دارد. ابتدا بدن شخص مبتلا را تمییز می‌شوید و بعد هفت روز مانع می‌شود که بیمار، زن، سگ و مرغ ببیند و اگر شخص مبتلا زن باشد او را از چشم مرد ها دور می‌کنند. برای این منظور اغلب مریض را در یک کپر خالی کنار دریا نگه می‌دارند و تمام شب‌هایی که شخص مبتلا در حجاب نگه داشته می‌شود، بابا یا ماما معجون یا دوی مخصوص زاران را به تن وی می‌کشد این دوا که "گره کو" greku نام دارد از بیست و یک ماده درست شده است که مواد عمده اش: ریحان، زعفران، بوخش buxesh (از هند می‌آورند) هل، جوز، زبان جوجه (گیاهی که در کوه می‌روید) گشت gesht (چوبی که از بمبئی می‌آورند)، هستند.

تمام ۲۱ ماده را در گلاب خیس می‌کنند و هر شب به بدن شخص مبتلا می‌کشند و مقداری به وی می‌خورانند. بعد از ختم دوره ی حجاب، بدن بیمار را خوب تمییز می‌کنند و خاک ۷ راه را با ۷ برگ هفت گیاه بی خار مخلوط کرده همراه "گره کو" به تن وی می‌مالند و پیش از اینکه مراسم رسمی "زاران" اجرا شود، جنی را که باد زار را وارد بدن شخص کرده بیرون می‌کنند. برای بیرون کردن جن شخص مبتلا را می‌خوابانند، انگشتان شصت پاهایشان را با موی بز به هم می‌بندند، مقداری روغن ماهی هم زیر دماغ مبتلا کشیده و چند رشته موی بز هم آتش زده زیر بینی می‌گیرند و بعد بابا با خیزران جن را تهدید می‌کند که از بدن وی خارج شود. با ضربه‌هایی که به تن بیمار می‌زند، جن با جیغ و داد و ناراحتی بسیار مرکبش را رها کرده فرار می‌کند. بعد از فرار جن تنها باد زار در کله ی بیمار است و برای زیر کردن زار، سفره و بساط بازی و آواز و نذر و نیاز لازم است و نیز قربانی.

برای تشکیل مجلس بازی، زنی که خود اهل هوست، خیزران به دست راه می‌افتد و تک تک درها را می‌زند و اهل هوا را برای بازی دعوت می‌کند. این زن را "خیزرانی" می‌گویند بیشتر دعوت شدگان "دختران هوا" هستند دختران و زنان جوانی که صدای خوش دارند و حرکاتشان نرم است.

ماما یا بابا ی زار با دهل های مخصوصش در صدر مجلس قرار می‌گیرد. تعداد و نوع دهل ها و سازهای لازم برای زیر کردن هر زاری متفاوت است و اهمیت باباها و ماماها بسته به تعداد خیزران هایی است که دارند. در وسط بساط بابا، دهل یک سر بزرگ "مودندو" modendo را روی سه پایه ای می‌گذارند. کنار "مودندو" یک دهل بزرگ دو سر معمولی، "گپ دهل" می‌گذارند و کنار آن، دهل دیگری به اسم "دهل کسر" (kaser). جلوی "مودندو" همیشه سینی نقره یا ورشویی می‌گذارند که توی آن "گشته سوز" و "کوندروک درماتی" را در ظرف مخصوصش ریخته اند.

^۱ - موسیقی نوبان، متن و تشکیلات سازی متفاوتی دارد، این بادها مسلمانند، آرامترند و با ذکر اسامی خدا و پیغمبر زیر می‌شوند و آوازهایشان در برگرنده ی اسامی مقدس اند، مانند "سلام غلیکم یا رسول الله، یا نبی الله، یا نبی"

^۲ - در روایت عامیانه به معنای ساز کوتاه شده از دهل است، ظاهری شبیه دهل دارد که دو طرف را پوست کشیده، اما از یک طرف آن و توسط هر دو دست نواخته می‌شود.



بابا یا ماما با تکان دادن خیزرانی که به دست دارد مجلس بازی را شروع می کند. خود بابا سراغ یکی از دهل ها، اغلب "مودندو" می رود و شروع می کند به کوبیدن و شعر خواندن و غنی کردن، مجلس که گرم شد دیگران هم همراه آواز بابا دم می گیرند.

اهل هوا چوب ها را به هم می کوبند. زن ها دم نمی زنند "دمام" ها صدای بمشان را در فضای محقر اتاق ها رها می کنند. "مرکب" با صدای بالا و پائین سازها تکان تکان می خورد. کسی صورت او نمی بیند. کسی سکوت را نمی شکند. صدای سازها به اوج می رسد، مامازار با لهجه ای بین عربی و سواحلی و فارسی می گوید: "ای باد ای زار خودت را به ما نشان بده. ای باد ای زار...". آواز و اشعار (زاران)، که به "شله زار" معروفند، در سواحل آفریقا همه به زبان سواحلی است. ولی در ایران بیشتر اشعار را به زبان عربی می خوانند که بعد از چند بیت تبدیل به اشعار نامفهوم سواحلی می شود، ولی کمتر کسی معنی این اشعار را می فهمد، نه سیاه ها و نه حتی خود بابا یا ماما. ولی با وجود این همه، ساعت ها می توانند به زبان ناآشنا ی سواحلی غنی بکنند. در شعر زیر بعد از سه چهاربیت عربی، اشعار به سواحلی تبدیل می شود: "کل زار وفو/ و انا ما وفونی / شیخ شنگر رضو / اوانا ما رضونی / وزفنا وزفش نایی / دوئی وانت دوئی"، از آنجایی که آهنگ مخصوصی لازم است تا زار زیر بشود، بنابراین به تعداد زارها و بلکه بیشتر، وزن و آهنگ بازی تغییر می کند. وزن آهنگ ها را دهل کسر عوض می کند موندو و دهل گپ تنها سرعت وزن را معین می کنند و اغلب با هم یکنواخت کوبیده می شوند. تنها کسر است که با تغییر ضربه ها وزن را عوض می کند. بنابراین نوازنده ی کسر باید مهارت زیادی داشته باشد. به هر صورت در برابر یکی از این آهنگ ها است که زار شخص مبتلا تکان خورده، حرکت کرده، پائین می آید.

پیش از شروع مجلس نیز سفره ی مفصلی پهن می کنند که در این سفره همه چیز موجود است، از انواع غذاها گرفته تا گیاهان معطر و انواع ریاحین جنوب و میوه ی گنار و خرما و گوشت و خونی که برای مبتلای زار سر سفره لازم است. خون سر سفره، خون قربانی زار است و این قربانی معمولاً یک بز (کهر) است. معمولاً تا باد خون نخورد، به حرف نمی آید، بنابراین برای اینکه خوب فهمیده شود باد چه می خواهد، لازم است شخص مبتلا خون بخورد. (ساعدی، ۱۳۸۵) پس از به زیر آمدن زار، او پاسخ بابا یا ماما را می دهد و آنچه را که می خواهد، طلب می کند، زار به زبان خودش جواب می دهد که اهل کجا است و اسمش چی هست و آن مرد یا زن را بخاطر فلان یا بهمان کار، مرکب خود ساخته، البته تمام این حرفها با صدای تغییر یافته ای از دهان مریض خارج می شود. ولی به زبان اصلی خود زار، عربی، هندی یا سواحلی، در حالی که ممکن است مرکب او به زبان هندی یا سواحلی، به ظاهر آشنا نباشد.

نتیجه:

پزشکی از نخستین پیشرفت های بشر در جهان بوده است، در میان روش های گوناگون درمان در جهان باستان، موسیقی درمانی، با به کارگیری سازها و آواهای ویژه هر منطقه، همواره نقش موثر و ویژه ای ایفا می کرد، چراکه اساس بسیاری از بیماری ها را در تسخیر روح و بدن به وسیله نیروهای ماورایی می دانستند. این مراسم اگرچه در ظاهر تفاوت های آشکار دارند، اما همگی بر پایه اعتقادی اساطیری- مذهبی شکل گرفته و به یک اصل باز می گردند.



اعتقاد به زار و دیگر بادها نیز، گذشته از آنکه خرافه یا باور مردمانی ساده باشد، به دو دلیل اساسی جای بررسی و کنکاش دارد، نخست اینکه جزء معدود نمونه های زنده از موسیقی درمانی در جهان است و دیگر اینکه بخشی از فرهنگ بومی ایران است با ریشه ای کهن که امروز نیز بسیاری از مردمان جنوب ایران به آن باور دارند و حتی در نقاطی از ایران حتی قابل اعتمادتر و موثرتر از پزشکی مدرن شناخته می شوند.

ستون اصلی رسم درمانگری زار در ایران، آوازخوانی است که ترکیبی است از موسیقی و آواهای آفریقایی، عربی، و البته نغمه های سواحل خلیج فارس و بلوچستان. در این ترکیب معمولاً آواهایی که همراه با موسیقی به کار می رود ریشه عربی و آفریقایی دارند اما اشعار معمولاً از ادبیات ایران، حتی شعرهای حافظ و مولوی و ترانه های بومی هر شهر است که با مولودی خوانی اسلامی آمیخته شده است. واژگان ناشناخته ای که در هنگام اجرای مراسم شنیده می شوند همان ترانه ها و آواهای به جامانده از ریشه اصلی این باور یعنی آفریقا هستند و بخش آشنای آن که به عربی و فارسی خوانده می شود، همچون توسل به امام علی (ع) باورهای پس از اسلام هستند که البته در مورد بادهایی کاربرد دارند که مسلمان هستند. بازی و خون ریختن، عروسی و رقص بیشترین خواسته های بادها را تشکیل می دهند و گاهی نیاز است که سالی یکبار این مراسم به طور مثال بازی، انجام شود. خون خوردن توسط بیمار و درمانگر بخش دیگری از مراسم است و بخشی از مهارت و شهرت ماما یا بابا زار به واسطه تعداد خون خوردن است. بر اساس مشاهدات نگارنده اجرا کنندگان این مراسم در ایران به این دلیل که از سوی غیر بومیان مورد قضاوت قرار می گیرند، نسبت به حضور بیگانگان ناخرسند هستند، شرکت در این مراسم به واسطه ای امین نیازمند است و باید به دور از هرگونه اظهار نظر باشد. سکوت در بخشی از مراسم رکن اساسی است و همراهی و هماهنگی که در طی اجرای موسیقی و رقص وجود دارد همه شرکت کنندگان را در حالتی خلسه وار وارد می کند. بررسی افراد نجات یافته از زار نشان می دهد که اگرچه پیش از انجام مراسم به پزشکان متعدد مراجعه کرده باشند اما تنها، راه یافتن به جرگه اهل هوا و اجرای مراسم، درمان آنها را میسر کرده است و نیز عدم رعایت شرایط مطرح شده از طرف زار باعث حلول دیگر بار او و تسخیر دوباره جسم می شود.

در ادامه پیشنهاد می شود برای پژوهش های آینده به بررسی تطبیقی اجرای مراسم موسیقی درمانی در ایران و دیگر فرهنگ های جهان پرداخته شود چرا که این امر به شناخت ریشه ای از موسیقی درمانی می انجامد.

فهرست منابع:

- انجیل مسیح، ۱۳۶۲، تهران، آفتاب عدالت
- مجد، فوزیه، آلبوم موسیقی نوبان و زار، تهران، نشر ماهور
- ملک راه، علیرضا، آیین های شفا، ۱۳۸۵، چاپ دوم، تهران، نشر افکار
- سردی، محمد تقی، ۱۳۷۸، تاریخ پزشکی و درمان جهان، انتشارات سردی، تهران
- ساعدی، غلامحسین، ۱۳۴۹، اهل هوا، امیر کبیر، تهران

4th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

Avicenna International Community College LLC CINVU

COMSTEC Inter-Islamic Network on Virtual Universities
Avicenna International Community College LLC

Holding time: September 15, 2020
Tbilisi - Georgia